

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

### دوران بین اقل و اکثر در شبهات موضوعیه:

آخرین مطلبي که قبل از ورود به تنبیهای مطرح می شود بحث اقل و اکثر ارتباطی در شبهات موضوعیه است. مباحثی که تا به حال مطرح شد، در مورد اقل و اکثر ارتباطی در شبهات حکمیّه بود، یعنی آنجایی که منشأ شبهه شارع مقدّس است. ما نمی دانیم که خدای تبارک و تعالی سوره را جزء نماز قرار داده یا خیر؟ فلان شیء را شرط قرار داده یا خیر؟ از اینجا تعبیر به شبهه حکمیّه می شود. ولی شبهه موضوعیه آن است که منشأ شبهه اشتباه در امور خارجیّه باشد. آیا اقل و اکثر در مورد شبهات موضوعیه معنا دارد یا نه؟

مرحوم شیخ انصاری اعلی الله مقامه الشریف در کتاب رسائل می فرمایند مثال این مورد در جایی است که مولا امر می کند به يك مفهومی که آن مفهوم از حیث مفهومیّت مبین است اما از حیث مصداق مردّد بین الأقل و الأكثر است. مثلاً اگر مولا در يك كفاره ای امر به صیام يك شهر هلالی کرده، شهر هلالی یعنی شهری که مبدأش هلال است، آن وقت ما نمی دانیم شهر هلالی در عالم خارج 29 روز است یا 30 روز؟ و مثال دیگر آنجایی است که مولا امر به طهارت می کند، و نمی دانیم که آیا این جزء جزء محقق طهارت - مثل وضو و غسل - در عالم خارج هست یا نیست؟

### دیدگاه مرحوم نائینی:

مرحوم نائینی می فرمایند مرحوم شیخ انصاری اقل و اکثر در شبهه ای موضوعیه را طوری مطرح کرده که به مسئله ی شك در محصل برمی گردد و ولو در موارد دیگر یعنی در اقل و اکثر در اجزاء، اقل و اکثر در شرایط، اقل و اکثر در موانع، در آنها قائل به برائت شده است. اما در اقل و اکثر در شبهات موضوعیه چون مسئله را به بحث شك در محصل برمی گرداند، لذا قائل به احتیاط شده است. مرحوم نائینی خطاب به شیخ انصاری می گوید: گویا شما نتوانستید اصلاً اقل و اکثر در شبهات موضوعیه را تصویر کنید. باز يك مثالی زدید که به همان مسئله ی شك در محصل برگردد، ما برای شما اقل و اکثر در شبهه ای موضوعیه را طوری تصویر می کنیم که به مسئله ی شك در محصل برنگردد و تعبیری که مرحوم نائینی دارند این است که گویا مرحوم شیخ از این موردی که الآن ما می خواهیم بیان کنیم، غفلت کرده اند و اگر اینرا مورد توجه قرار می دادند، مانحن فیه را به شك در محصل بر نمی گردانند. عبارت نائینی این است « و كأنّه - قدّس سرّه - غفل عن ذلك أو تخيل عدم إمكان وقوع الشك في نفس متعلّق التكليف بين الأقل و الأكثر لأجل الشبهة الموضوعيّة ».

سپس مرحوم نائینی در مقام تصویر بحث اقل و اکثر در شبهات موضوعیه می گوید: تحقیق این است که دوران بین اقل و اکثر در شبهه ای موضوعیه در جایی است که تکلیف به يك موضوع خارجی تعلّق پیدا کند. ولو نائینی تصریح به این نکرده ولی می خواهد بگوید به عنوان يك قضیه ی خهارجیه مطرح باشد. تصریح به این نکرده ولی بعید نیست از عبارتتش این مطلب در بیاید. می فرمایند اینکه ما می گوئیم اقل و اکثر در شبهه موضوعیه، در جایی است که تکالیف به يك موضوع خارجی تعلّق پیدا کند، مولا

می‌گوید، «اکرم العلماء یا آهن الفساق»، این را به عنوان يك تکلیف می‌آورد.

دایره‌ی اکرام به لحاظ دایره‌ی علما در عالم خارج مختلف می‌شود، هر مقدار عالم بیشتر باشد لزوم و وجوب اکرام بیشتر می‌شود، حالا اگر ما در عالم خارج می‌دانیم زید، عمرو، بکر و خالد عالم‌اند، یعنی اینطور بگوئیم که در عالم خارج ده تا آدم هستند که از این تعداد ما یقین داریم نه نفرشان عالم‌اند، در دهمی شك داریم عالم است یا نه؟ فرض این است که تکلیف به همین موضوع خارجی تعلق پیدا کرده است. نه تا را یقین داریم عالم‌اند، در نفر دهم شك داریم که این عالم هست یا نه؟ اگر عالم باشد وجوب اکرام دارد و اگر نباشد وجوب اکرام ندارد، اینجا می‌شود دوران بین اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیه منشأش هم همین اختلاط افکار در عالم خارج است و ربطی به شرع ندارد، ما نمی‌دانیم که آیا این زید عنوان عالم را دارد یا ندارد؟ می‌فرمایند این بهترین مثال فرضی است برای عنوان دوران امر بین اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیه.

می‌فرمایند از نظر خود اقل و اکثر فرقی نمی‌کند که این عام مجموعی باشد یا استقرایی، اگر گفتیم اکرم العلماء عام استقرایی است این را مکرر شنیدید که تکلیف به تعداد هر عالمی انحلال پیدا می‌کند، انحلال که پیدا کرد می‌شود اقل و اکثر استقرایی. اگر گفتیم این عام عام مجموعی است مولا می‌خواهد این علمای موجود در عالم خارج مجموعاً اکرام شود می‌شود اقل و اکثر ارتباطی، یعنی عام استقرایی سبب می‌شود که این اقل و اکثر استقرایی بشود و عام مجموعی سبب می‌شود که ارتباطی بشود، برای اینکه در عام مجموعی ما يك تکلیف بیشتر نداریم، این يك تکلیف را نمی‌دانیم به این ده تا معاً وارد شده یا به این نه تا وارد شده است.

مطلبی که نائینی دارد و این جهت سبب شد که این بحث را متعرض شویم؛ می‌فرماید امثله‌ی دوران بین اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیه در فقه بسیار زیاد است. مثال می‌زنند به «لا تصلي فيما لا يؤكل لحمه» می‌فرمایند، اگر گفتیم لباس غیر مأکول له مانعیت دارد، روی این فرض. می‌فرمایند همانطوری که نواهی نفسی انحلال دارد، اگر مولا فرمود لا تشرب الخمر این به تعداد خمرهای موجود در عالم انحلال پیدا می‌کند، نواهی غیر نفسی یعنی نواهی غیری هم انحلال دارد. «لا تصلي فيما لا يؤكل لحمه»؛ یعنی در این لباس نماز نخوان، لباس دوم غیر مأکول لحم هم لا تصلي، سومی هم لا تصلي و به تعداد افراد. حالا يك مصلي هست که پنج تا لباس دارد، یقین دارد چهار تای آن غیر مأکول لحم است، نمی‌داند پنجمی هم غیر مأکول لحم است یا نه؟ اینجا باز نائینی می‌فرماید چون عدم تلبس به غیر مأکول لحم قید برای صلاة شده این دوران بین اقل و اکثر می‌شود در شبهه‌ی موضوعیه نسبت به این چهار تا لباس که عنوان اقل را دارد نهی آمده، اما نسبت به پنجم نمی‌داند نهی آمده یا نه؟ دوران بین اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیه است. پس نسبت به لباس پنجم که شك دارد برائت جاری می‌کند و بعد از آن با آن لباس می‌تواند نماز بخواند و می‌فرمایند این بحث در بحث لباس مشکوک کارایی دارد. که یکی از بحث‌های فقهی مشکل که از قدیم الایام در بحث صلاة، همراه با چالش وجود داشته و مبانی اصولی دارد، همین بحث لباس مشکوک است.

من یادم می‌آید مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیه می‌فرمودند ما درس مرحوم آقای بروجردی می‌رفتیم که تقریباً من جوان‌ترین شخصی بودم که در آنجا حضور پیدا می‌کردم یا در بین افرادی که سن‌شان کم بود یکی هم ایشان بوده! ایشان از 19 سالگی تا 28 سالگی درس مرحوم بروجردی رفتند و می‌فرمودند من درس ایشان را می‌نوشتم، مرحوم بروجردی رسیدند به لباس مشکوک، این علمایی که سن‌شان از ما بیشتر بود و در حاشیه‌ی مرحوم آقای بروجردی بودند بین خودشان گفته بودند که یقیناً فلانی دیگر قدرت نوشتن این بحث را ندارد چون بحث خیلی سنگینی است، فرمودند این مطلب يك جوری به گوش من رسید که در بیت مرحوم بروجردی این حرف زده شده، فرمودند من اتفاقاً آن را دقیق‌تر و مفصل‌تر نوشتم و يك جزوه مستقل کردم و فرستادم خدمت آقای بروجردی، ایشان هم بعد از يك مدتی ملاحظه فرمودند و يك پول خیلی مفصلي هم ضمیمه کردند و برگرداندند که می‌فرمودند آنها برای ما سبب خیر شدند.

علی‌ای حال بحث لباس مشکوک بحث خیلی مشکلی است، شما ببینید همین موردی که اینجا هست ما از این راه اصولی وارد

شویم که بگوئیم دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی است یا غیر ارتباطی؟ در شبهه موضوعیّ این اثرش این است که با این لباس شخص می‌تواند نماز بخواند. اگر ما این لباس غیر مأكول را به عنوان مانع تلقی نکنیم، نائینی می‌فرماید اگر گفتیم شرط لباس مصلّی این است که از مأكول لحم باشد، نگفتیم غیر مأكول لحم مانع است بلکه گفتیم شرط نماز مصلّی این است که مأكول اللحم باشد می‌فرمایند چون در شرایط انحلال دیگر وجود ندارد، موانع یعنی چون عنوان عدمی دارد، عدم قید مأكول لحم قید صلاة است، عدم دومی هم قید برای صلاة است اما نمی‌گوئیم این لباس مأكول لحم هم شرط است، آن هم شرط است و سومی هم شرط است، می‌فرمایند چون انحلال در شرایط راه ندارد آن وقت اینجا مسیر بحث عوض می‌شود.

بنابراین می‌فرمایند نه تنها ما می‌توانیم اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیّ را تصویر کنیم بلکه مثالهای زیادی از این بحث در فقه داریم.

### اشکال مرحوم عراقی:

مرحوم محقق عراقی در جلد سوم نه‌ایة الأفكار صفحه 408 به مرحوم نائینی حمله کرده و می‌گوید، شما به شیخ انصاری نسبت غفلت دادید و این فرضی که مطرح کردید که اگر تکلیف به يك موضوع خارجی تعلّق پیدا کند مثل اکرم العلماء، در عالم خارج هم علما را ندانیم نه یا ده تا هستند می‌شود اقل و اکثر، عراقی فرموده این يك موردی نیست که مخفی بر اصاغر این فن واقع شود تا چه رسد به اینکه بر مرحوم شیخ مخفی واقع شود، ولی حالا این تعبیر درستی نیست بالأخره ما وقتی عبارات شیخ را در رسائل می‌بینیم این فرضی که مرحوم نائینی برای اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیّ کردند در کلام شیخ نیست و نمی‌توانیم بگوئیم حالا که نیست شیخ در اینجا این را نفرموده، حالا نمی‌خواهیم بگوئیم تعبیر غفلت هم تعبیر خوبی است ولی حالا شیخ این را مطرح نکرده و لذا حق با مرحوم محقق نائینی است، به نظر ما هم امکان اقل و اکثر در شبهه موضوعیّ وجود دارد، تصویرش هم همین است که مرحوم نائینی فرموده و عجیب این است که خود مرحوم عراقی هم این را قبول دارد، یعنی در اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیّ به همین مثال اکرم العلماء خود مرحوم عراقی هم قبول دارد و در نتیجه این واقع شده و ما باید در فقه ببینیم امثله‌اش در کجاها مطرح می‌شود.

مرحوم شیخ در مثال روزه که می‌زند مثال روزه شك در محصل است، مولا فرموده يجب عليك صيام شهر هلالی، ما نمی‌دانیم شهر هلالی 30 روز است یا 29 روز که این می‌شود شك محصل. هذا تمام الكلام در اقل و اکثر ارتباطی.

از اینجا تنبیهات اقل و اکثر شروع می‌شود، عرض کردم قرار شد آقایان هم تأملی بکنند. ما به نظرمان این رسیده که از اینجا تا اول استصحاب دو تا قاعده‌ی فقهی مهم است یکی قاعده میسور است و یکی قاعده لاضرر، ما اگر خدا توفیق بدهد در بحث‌های ماه رمضان که شاید بیش از ده سال است که این بحث‌ها را داریم، در خیلی از این ماه رمضان‌ها یکی از قواعد فقهیه را بحث کردیم، البته الآن دو سال است که داریم فروع علم اجمالی را می‌گوئیم که بحث‌های خیلی مهمی است که من يك وقتی گفتم واقعاً اگر کسی بخواهد يك کارگاه اجتهادی را يك دوره ببیند باید فروع علم اجمالی را ببیند، این فروع خیلی در عالم واقع کاربرد ندارد اینکه کسی بعد از نماز شك می‌کند يك سجده از رکعت دوم و يك سجده از رکعت چهارم از او فوت شد چکار باید بکند؟ این خیلی نادر است ولی به قدری ضوابط و قواعد فقهی و اصولی و قاعده‌ی استصحاب، اشتغال، برائت، تخییر، قاعده لا تعاد، قاعده ... اینها اینقدر مهم است که همه آنجا جریان پیدا می‌کند، حالا ما بالأخره این قاعده لاضرر و قاعده میسور را ان شاء الله بتوفیق من الله تبارک و تعالی بحث خواهیم کرد و این تنبیهات و يك مقداری از بحث خاتمه فی شرایط الاصول را هم می‌توانیم يك وقت دیگری بحث کنیم و سال آینده را از اول استصحاب شروع کنیم.

خدا را شکر می‌کنیم و فکر می‌کنم امروز جلسه 129 اصول بود و در سال جاری 129 جلسه داشتیم گاهی اوقات بعضی از سال‌ها 110 جلسه بوده 105 جلسه بوده ولی امسال يك مقداری بیشتر شد که از این جهت واقعاً خدا را شاکریم. نکته دوم این است که از مهمترین و لازم‌ترین مسائلی که آقایان باید در این تعطیلات داشته باشید مروری بر این مباحث است، این هم مراتب

دارد حالا به اختلاف مرتبه آقایان انجام بدهند، يك مرتبه‌اش اين است كه اين جزواتي كه هست را يك دور بخوانيد، براي اينكه اين بحث‌هايي كه امسال گفته شد مثل يك نهالي است كه تازه كاشته شده، اگر بلا فاصله مرور كرديد مثل اين است كه اين نهال را به موقع آبياري كرديد و اين باقي مي‌ماند، اما اگر اين مرور را نكنيد فرار است. براي خود من هم فرار است، لذا جزء برنامه‌هايتان قرار بدهيد يك دور اين را بخوانيد. مرتبه‌ي دومش اين است كه واقعاً ببينيد كه در هر بحثي نظر خودتان چيست؟ بحث‌هاي مختلفي كه ما امسال داشتيم كه بحث‌هاي بسيار مهم در علم اجمالي و دوران بين متباينين بود، يك آراء جديدي هم بود كه ما در مباحث ارائه كرديم، اينها را جدا كنيد، خودتان هم اظهار نظر كنيد. اين از كارهايي است كه واقعاً لازم است ان شاء الله در تابستان انجام دهيد. بين اين بحث‌ها اگر يكي دو ماه فاصله بشود ذهن آدم ديگر فعال بودن در حين بحث را نخواهد داشت.

نكته سوم برنامه‌ريزي براي سال آينده است، يكي از اشكالاتي كه در حوزه ما وجود دارد اين است كه طلبه وقتي سال آينده شروع مي‌شود مي‌گويد برويم ببينيم چه بحثي را داشته باشيم؟ در حالي كه پايان هر سالي بايد شما معين كنيد سال آينده من مي‌خواهم يك فقه بخوانم و يك اصول. تا حالا ده سال است كه من درس خارج خواندم، مباحث فقه‌ي چي گذراندم و چه چيز را لازم دارم؟ اصول را چي گذراندم و چي را لازم دارم؟ اينها را برنامه‌ريزي كنيد و پيش مطالعه داشته باشيد، طلبه بايد براي خودش برنامه داشته باشد. بنابراين شما هم يك برنامه‌اي را حتماً براي سال آينده‌تان داشته باشيد.

نكته بعد كه پيشنهادي است كه فرموده‌اند؛ ما امسال در اصول بعضي از مسائل را گفتيم، حالا در همين دوران بين اقل و اكثر كه يكي از آقایان گفت من اين بحث را به عربي تماماً نوشتم و قرار شد پيش من بياورد. اگر از مباحث سال گذشته، حالا هر بحثي را خود آقایان انتخاب كنيد، اگر در هر کدام، حالا نمي‌گويم تمام مباحث. مثلاً همين بحث اقل و اكثر را مستقلاً بنويسيد آنچه كه در درس گفته شده، آنچه كه در بعضي از كتاب‌ها هست كه ما نرسيديم همه را بگوئيم ولو اينكه غالب مطالب را ما بيان كرديم، ولي بقيه را هم ببينيد و خودتان هم تحقيق كنيد، اظهار نظر كنيد، اول سال آينده واقعاً اگر مقالاتي در اين مباحث اصول سال گذشته، شما ببينيد ما در بحث اينكه آيا اصول عمليّه در اطراف علم اجمالي جريان پيدا مي‌كند يا نه؟ قائل به تخير شدیم، اين خلافاً للمشهور. البته گفتيم نائيني مي‌فرمايد عجيب اين است كه در زمان ما خيلي شايع شده و طرفدار زيادي پيدا کرده است. همين موضوع بسيار مهم است كه آيا اصول عمليّه در اطراف علم اجمالي جريان دارد يا نه؟ مسئله‌ي اقتضا و عليّت را مفصل مورد بحث قرار داديم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين